

Organizational Behavior Management in Sport Studies

ORIGINAL ARTICLE

Analysis of the conditions of non-civil liability of athletes

Zahra Montazeri^{1*}, Zari Firoozkah²

^{1,2} Assistant professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Correspondence
Zahra Montazeri
Email: z.montazeri@pnu.ac.ir

A B S T R A C T

The purpose of this article is to investigate this important question, what are the conditions of non-civil liability of athletes in jurisprudence and law? This article is descriptive and analytical and has investigated the mentioned question by using the library method. From a jurisprudential point of view, Rule of Emprise, the permission rule, and the rule of warning are the conditions for the non-responsibility of medical workers. Informed consent, fault of the victim, and custom and compliance with sports regulations, acceptance of risk and forfeiture of rights are among the most important conditions for the lack of civil liability of athletes in the law. The custom governing sports communities indicates that if an accident occurs during sports operations that are conducted legally and according to the regulations, the principle is that the athletes are not responsible, as long as the athlete's bad intention in relation to the loss and damage to the opponent is proven, unless there is a clear and major violation by the players, the customs of the sports communities do not condemn the athletes. In most common sports, collisions and injuries are unavoidable. If an athlete unintentionally and without malice and by observing the necessary rules and precautions by striking in a conventional manner in sports operations causes injury to the other party, he is exempt from civil liability and as a result, risks are necessary for sports movements and the implementation of the general rules of responsibility. It is not possible to be civil about them.

K E Y W O R D S

non-responsibility, athletes, informed consent, custom of risk acceptance, fault of the victim.

نشریه علمی

مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش

«مقاله پژوهشی»

تحلیل شرایط عدم مسئولیت مدنی ورزشکاران

زهرا منتظری^{۱*}، زری فیروزگاه^۲

چکیده

عدم مسئولیت ورزشکاران از موضوعات مهم حقوق ورزش است که به دلیل خلاء قانونی در این خصوص نیازمند بحث و بررسی است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی این سوال مهم است که شرایط عدم مسئولیت مدنی ورزشکاران در فقه و حقوق چیست؟ این مقاله توصیفی تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سوال مورد اشاره پرداخته است. در حقوق موضوعه، رضایت آگاهانه، تقصیر زیان‌دیده، هشدار، اقدام ورزشکار در قالب قانون و عرف ورزش و رعایت مقررات ورزشی، قبول خطر و اسقاط حق از مهمترین شرایط عدم مسئولیت مدنی ورزشکاران است که برگرفته از قاعده اقدام، قاعده اذن و قاعده تحذیر در فقه می باشد. عرف حاکم بر جوامع ورزشی حاکی از آن است که چنانچه حادثه‌ای در خلال عملیات ورزشی که قانونی و باتوجه به مقررات انجام می‌شده، رخ دهد، اصل بر عدم مسئولیت برای ورزشکاران می‌باشد و تا زمانی که سوءنیت ورزشکاری در رابطه با ورود ضرر و آسیب به حریف اثبات نگردد و تا زمانی که تخلف روشن و عمده‌ای از سوی بازیکنان صورت نگیرد، عرف جوامع ورزشی حکم به محکومیت ورزشکاران صادر نمی‌کند. در اکثر ورزشهای متداول برخورد و ایراد صدمه غیر قابل اجتناب است. اگر ورزشکاری ناخواسته و بدون سوءنیت و با رعایت قوانین و مراقبتهای لازم با زدن ضربه به صورت متعارف در عملیات ورزشی باعث ایراد صدمه به طرف مقابل شد، معاف از مسئولیت مدنی می‌باشد و نتیجتاً اینکه خطر، لازمه حرکت‌های ورزشی است و اجرای قواعد عمومی مسئولیت مدنی درباره‌ی آنها ممکن نیست.

واژه‌های کلیدی

عدم مسئولیت، ورزشکاران، رضایت آگاهانه، قبول خطر، تقصیر زیان‌دیده

^۱ و ^۲ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

نویسنده مسئول:

زهرا منتظری

رایانامه: z.montazeri@pnu.ac.ir

استناد به این مقاله:

منتظری، زهرا، فیروزگاه، زری. (۱۴۰۴). تحلیل شرایط عدم مسئولیت مدنی ورزشکاران. مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. ۱۲(۱)، ۲۴-۱۱.

<https://fmss.journals.pnu.ac.ir/>

مقدمه

از آنجا که ورزش یک سرمایه اجتماعی است به عنوان یکی از مظاهر فردی اجتماعی، ضمن حفظ بقای سلامت روحی و جسمی آحاد جامعه، جهت ایفای صحیح نقش های فردی، خانوادگی و اجتماعی حایز اهمیت است. (میرحاجیان، صفانیا، ازادفدا و فراهانی ص ۲(۱۴۰۱)

همچنین ورزش و پرداختن به آن میتواند از عوامل تقویت روحیه انعطاف پذیری و تنوع طلبی، مشارکت مدنی بالا و... باشد، که نشان از سلامت اجتماعی و روانی یک جامعه میتواند باشد. (همان) اما همین ورزش جدای از خطرات و آسیبها نمیباشد و ممکن است یکی از ورزشکاران بر روی دیگری مرتکب خطایی گردد. قانون گذار نیز این خطرات و آسیبها را از چشم دور ندانسته و آنها را مد نظر داشته است، لذا در بند ۳ ماده ۵۹ ق.م.ا. اگر که این حرکات بر طبق مقررات آن ورزش صورت گرفته و آن مقررات هم برخلاف موازین شرعی نباشند، مسئولیت کیفری نخواهند داشت، ولی مسئولیت مدنی همچنان برقرار می باشد. امروزه گسترش ورزش با مطرح شدن مسائل جدید همراه است؛ مسائلی که خود موجب رونق حقوق ورزش شده است. از جمله این مسائل بحث مسئولیت مدنی در ورزش است. این نوع مسئولیت صورتهای مختلفی دارد و دعاوی جدیدی را در دادگاهها مطرح کرده است. در این میان مسئولیت مدیران ورزش، همچنین ورزشکاران، جایگاه ویژه ای دارد، زیرا این حرفه ها را به صورت شغلی پرخطر درآورده است؛ شغلی که بیم طرح دعاوی مختلف مسئولیت مدنی از سوی اشخاص گوناگون در آن همواره وجود دارد و این وضعیت خطرناک است و این امر نیاز به پوشش بیمه ای حمایت کننده را الزامی می سازد، بیمه ای که ورزشکاران را در برابر این تهدیدها مراقبت کند. اکثر دعاوی مسئولیت مدنی در باب ورزش، برای جبران خسارات است و خواهان معمولاً یا یکی از شرکت کنندگان است یا یکی از تماشاگران. تقصیر یا خطا را به طور کلی می توان چنین تعریف کرد: رفتاری پایین تر از سطح معیار رفتار یک انسان متعارف» (آقای نی، ۱۳۶۹، ۲۴). در فقه نیز با قواعد و عناوینی چون لاضرر، اتلاف، تسبیب ضمان، غرور، ضمان تعدی و تفریط مواجه هستیم که به نوعی درباره مسئولیت سخن گفته اند که مهمترین آن قاعده لاضرر می باشد و متن آن از حدیث نبوی گرفته شده است. « لزوم جبران ضرر قدیمی ترین بنیانی است که در مسئولیت مدنی از دیرباز جا مانده و همه قواعد دیگر از این منبع سرچشمه گرفته اند، البته باید دانست که

قاعده لاضرر قلمرو گسترده تری از مسئولیت مدنی به معنی مرسوم خود دارد» (انیسی، ۱۳۹۴، ۹).

یکی از مسائل مهم در حوزه ورزش، آسیبهای احتمالی ورزشکاران است. به عبارتی خشونت و آسیب از پیامدهای ناخواسته گسترش روزافزون ورزش است. امروزه توسعه ورزشهای حرفه ای رو به گسترش بوده و در میان تمام این ورزشها، فوتبال یکی از محبوبترین آنها بشمار می آید و بدون شک یکی از پرتعدادترین ورزشهای گروهی در جهان محسوب میشود. (حمید قاسمی، ابوالفضل فراهانی، ص ۲۸، ۱۴۰۰) و بخش مهمی از زیان ها و آسیبها مربوط به عملیات ورزشی فوتبال و رقابتهای ورزشی است. آسیبها در بسیاری از موارد مشکلات و صدمات جدی را برای ورزشکاران در این عرصه به وجود می آورد و حتی ممکن است به عمر ورزشی ورزشکار پایان دهد. در چنین وضعیتی بحث مسئولیت مدنی و شرایط عدم تحقق آن از موضوعات مهمی است که نیازمند بحث و بررسی است. آنچه بررسی شرایط عدم مسئولیت مدنی ورزشکاران را به یک ضرورت مبدل ساخته این است که درباره عدم مسئولیت مسئولیت مدنی ورزشکاران و حدود آن اختلاف نظرهایی وجود دارد. علاوه بر این، یکی از مسائل مهم این است که عدم مسئولیت در قالب قرارداد تا چه اندازه قابل پذیرش است؟ وضعیتی که طرفین توافق کنند، شرط عدم مسئولیت را پذیرفته اند. علاوه بر این، علم حقوق با همه جنبه های زندگی ما سروکار دارد که ورزش هم جزئی از آن محسوب می گردد، امروزه با رشد و توسعه ورزش حرفه ای بسیاری از مردم زندگی خود را از این طریق می گذرانند و با آگاهی از حقوق فردی می توانند منافع خود را در دعاوی حقوقی به طور فزاینده ای حفظ کنند.

در خصوص ورزش، و مسئولیت پذیری پژوهش های متعددی انجام شده است: از جمله مقاله ای با عنوان تعیین هرم سلسله مسئولیت پذیری و ارتباط آن با ویژگی های جمعیت شناختی در داوران فوتبال و فوتسال، که در آن به مسئولیت پذیری فعالان حوزه ورزش پرداخته شده است. (رامین ایرجی نقندر، حمید قاسمی، ابوالفضل فراهانی، ۱۴۰۲) همچنین مقاله ای با عنوان تحلیل عوامل بحران در ورزش به نگارش درآمده است که به علل بحرانها و پیشگیری از آن در حوزه ورزش پرداخته است. (ابوالفضل فراهانی، لقمان کشاورز، ناهید مروی ۱۳۹۷) آنچه شایان ذکر است همه پژوهش های فوق الذکر از طریق کیفی و به شکل میدانی به این نتایج رسیده اند اما تمایز مقاله

مسئولیت وارد کننده زیان است؟ در خصوص ضررهای جسمانی اعلام رضایت قبلی مجنی علیه، رافع مسئولیت کسی که بر تمامیت جسمانی وی جنایتی مرتکب شده است، نیست، زیرا قوانینی که از تمامیت جسمانی اشخاص حمایت می‌کند، در زمره قوانین آمره بوده، تأمین کننده نظم عمومی بوده و افراد نمی‌توانند، با توافق آن را بی اثر نمایند به عنوان مثال، در دوئل (مبارزه آزاد تا حد مرگ) و یا کشتی کج که زدن ضربات به صورت غیر کنترلی و بدون حد و مرز و بدون استفاده از تجهیزات و به قصد از پا درآوردن حریف انجام می‌شود، اعلام رضایت قبلی زیان دیده نمی‌تواند رافع مسئولیت باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» خود را به دست خود به هلاکت نیندازید» (بقره/۱۹۵).

البته در مواردی ممکن است، قانونگذار به خاطر اهداف و مصالح مهم، رضایت شخص را در صدمات جسمانی، مؤثر بداند. به عنوان مثال، ورزشکاری که برای مسابقه با حریف، پای به میدان می‌گذارد، خطرات ناشی از آن رقابت ورزشی را که متداول و معمولی است، رضایتمندانه می‌پذیرد، البته این رضایت تا جایی معتبر است که از قوانین و مقررات فنی آن رشته ورزشی تجاوز نشود. بنابراین، زدن ضربه به سر در بعضی از رشته‌های ورزشی مثل بوکس با رعایت شرایط و ضوابط فنی مجاز بوده و مشت زن (بکسور) با پذیرش مسابقه، وارد کردن چنین ضرباتی را برای حریف مباح می‌نماید. چنین رضایتی در مسابقه ورزشی، به خاطر اهداف مهم ورزش، معتبر است. ولی اگر مسابقه‌ای در بین نباشد، افراد عادی در خیابان نمی‌توانند، چنین رضایتی را رافع مسئولیت بدانند (حیاتی، ۱۳۹۲، ج ۴، ۱۹۵).

برخی از حقوقدانان معتقدند که رضایت طرفین نیز می‌تواند صدمات و جراحات وارده ضمن انجام عملیات ورزشی را توجیه و موجب زائل شدن وصف قانونی شود. البته به شرطی که سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ۱۳۸).

در خصوص خسارات مالی اینکه آیا مالک می‌تواند، با اعلام رضایت قبلی، ایراد خسارت بر خود را برای دیگری مباح گرداند، به نظر می‌رسد، باید بین خسارات عمدی و غیر عمدی تمایز قائل شد.

از سیره خردمندان به دور است که ایراد ضرر عمدی را رضایتمندانه بپذیرا باشند. بنابراین اگر کسی به دیگری رضایت داد که اگر ضرر عمدی به وی وارد کرد، مسئول نباشد، نباید

حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده این است که با توجه به سرمایه اجتماعی بودن ورزش و بحران‌هایی که در زمینه ورزش بوجود می‌آید، همچنین با توجه به این که مسئولیت پذیری، فواید بسیاری برای فعالان در حوزه ورزش دارد، لیکن تحلیل شرایط عدم مسئولیت مدنی ورزشکاران در فقه و حقوق چگونه خواهد بود؟ از آنجایی که در عرصه ورزشی مقررات مدون خاصی در خصوص مسئولیت مدنی وجود ندارد و از سوی دیگر بدلیل گسترش ورزشهای قهرمانی و ورود بیش از پیش اشخاص حقیقی و حقوقی به ورزش، دعاوی مربوط به ضمان قهری در این خصوص افزایش یافته است. بنابراین انجام این پژوهش، مهم و ضروری است زیرا که با توجه به منابع حقوقی موجود تاحد امکان ابهامات در این خصوص را بر طرف نماید. بر اساس آنچه گفته شد هدف مقاله حاضر بررسی این سوال است که شرایط عدم مسئولیت مدنی ورزشکاران در فقه و حقوق موضوعه چیست؟ به منظور بررسی سوال مورد اشاره، ابتدا شرایط عدم مسئولیت مدنی ورزشکاران در حقوق موضوعه و در ذیل آن به فقه پرداخته می‌شود.

روش شناسی پژوهش

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها از طریق مراجعه به کتابخانه‌ها و قوانین موضوعه و تطبیق مصادیق با موارد به وقوع پیوسته استفاده شده است. البته در بعضی موارد با ضعف قانون در این خصوص مواجه بوده که در این مقاله سعی شده با مراجعه به کتب فقهی و نظر فقیهان و با ایجاد ارتباط بین قوانین و قواعد فقهی ضعف قوانین را جبران نماید.

یافته‌های پژوهش

۱. رضایت زیان دیده

اگر چه اهمیت مسئولیت پذیری و تضمین پایداری در سازمانهای ورزشی شناخته شده است، تحقیقات زیادی نشان می‌دهد که مسئولیت پذیری فواید زیادی برای فعالان در حوزه ورزش دارد. در واقع فعالیتهای مرتبط با مسئولیت پذیری میتواند برای جلب رضایت هواداران، مدیران و سازمانهای ورزشی مفید باشد. (رامین ایرجی نقدر، حمید قاسمی، ابوالفضل فراهانی) ص ۳۴۳، ۱۴۰۲) اما رضایت زیان دیده در مواردی ممکن است، رافع مسئولیت کسی باشد که حسب ظاهر زیان مالی یا جسمی (ایراد ضرر مالی و یا جسمی) را وارد کرده است. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا چنین رضایتی، در هر حال رافع

رضایت او را معتبر دانست و از تخریب کننده مال حمایت کرد. بنابراین، عامل زیان عمدی، بعد از ایراد خسارت، برای رهایی از مسئولیت خود در برابر زیان دیده نمی‌تواند به رضایت قبلی زیان دیده استناد کند، اما در مورد زیانهای غیر عمدی مانعی نیست که رضایت قبلی زیان دیده رافع مسئولیت عامل زیان باشد. ملاحظه می‌شود که رضایت زیان دیده در موارد استثنایی، رافع مسئولیت عامل زیان است در این موارد قاعده استثنایی فقدان مسئولیت مستند به اقدام است و به عبارتی زیان دیده با اعلام رضایت قبلی به ضرر خویش اقدام نموده است و لذا نمی‌تواند مطالبه خسارت نماید (حیاتی، ۱۳۹۲، ج ۴، ۱۹۷).

برخی نکته‌های دقیق در رضایت ورزشکار عنوان کرده‌اند و آن اینکه در این توجیه، تکیه بر رضایت ورزشکار به مصدوم شدن خود نیست بلکه تاکید بر رضایت او به انجام عملیات ورزشی است و خود او نیز از همین امتیاز در مقابل حریف برخوردار است (آقائی‌نیا، ۱۳۶۹، ۴۴). هنگامی که یک شخص در ورزش شرکت می‌کند مثل بوکس یا فوتبال به طور صحیح رضایت به هر نوع صدمه بدنی که اتفاقی هست می‌دهد (سلیمی، ۱۳۹۰، ۱۰۵). رضایت به صدمه در بازی، رضایت به هر نوع صدمه نمی‌تواند باشد مثلاً فوتبالیست رضایت نمی‌دهد که عمداً بازیکن حریف مشت به بینی‌اش بزند (سلیمی، ۱۳۹۰، ۱۰۶).

با توجه به مطالب بالا، ورزشی مثل بوکس با مبارزات آزاد (دوئل و کشتی کج) قابل مقایسه نیست، به این دلیل که در ورزش بوکس قوانین و مقررات خاصی در رابطه با زدن ضربات به حریف وجود دارد و از تجهیزات استفاده می‌شود مثل: کلاه، دستکش و محافظ دندان و تمام مراحل مسابقه کنترل شده می‌باشد و قصد واقعی ورزشکاران از پای درآوردن حریف و آسیب رساندن به او نیست، بلکه زدن ضربات هوشیارانه و اجرای فن متناسب با ورزش‌های خاص برای گرفتن امتیاز و در نتیجه پیروزی در مسابقه و بدست آوردن افتخار برای خود و ملت و کشورشان می‌باشد. و اصل بر این است که شخص ورزشکار انسان جوانمرد و با روحیه پهلوانی و از خود گذشتگی است.

در فقه نیز قاعده اقدام تا حدی بیانگر اصل رضایت زیان دیده است. «قاعده اقدام (اقدام به زیان خود) یکی از اسباب سقوط مسئولیت مدنی (ضمان) است که می‌تواند به عنوان مبنای از بین رفتن مسئولیت مدنی ورزشکاران نیز مورد توجه قرار گیرد» (علوی قزوینی و مقدادی، ۱۳۹۰، ۱۲۳-۱۱۴). «به موجب این قاعده، هرگاه شخصی با توجه و آگاهی عملی را انجام دهد که موجب ورود آسیب و زیان توسط دیگران به او شود، وارد

کننده زیان مسئول نخواهد بود. مانند این که کسی مالی را به بهای بیشتر بخرد یا این که اموال خود را با دست خود به دیوانه یا صغیر بسپارد و یا از دیگری بخواهد که مالش را تباه کند، در این گونه موارد چون زیان دیده به زیان خویش اقدام کرده فرد دیگر در برابر او مسئولیت نخواهد داشت، هرچند زیان به دست او واقع شده باشد» (محقق داماد، ۱۳۷۶، ج ۲، ۲۲۰). «پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا اقدام تنها به اموال و حقوق مالی اختصاص دارد یا این که در زیانهای جسمی و آسیبهای بدنی نیز جاری است؟ نباید در شمول آن نسبت به اعضاء و جوارح (اقدام بر نفس) تردید کرد چون همان طور که انسان بر مال خود سلطه دارد بر نفس (جان و اعضای خویش) نیز سلطنت دارد» (مصطفوی، ۱۴۱۵، ۴۹). و «اساساً سلطه انسان بر اموال و حقوق مالی، مبتنی بر سلطه او بر خویشتن است، زیرا اگر انسان بر خود سلطنت نداشته باشد، چگونه می‌تواند به کسب و کار بپردازد و درآمدی کسب کند و مالک آن بشود» (انصاری، ۱۴۳۰، ج ۶، ۲۱۶؛ اصفهانی، ۱۴۱۷، ج ۵، ۳۸۱؛ الحسینی میلانی، ۱۴۰۱، ج ۱، ۲۳۹) برخی فقیهان معاصر در این باره نگاشته‌اند: «ولایت انسان بر نفس خود و اینکه اختیار آموزش به دست خویش است امر عقلایی است قاعده سلطنت نیز قاعده‌ای عقلایی است و شارع هم آن را ردع نکرده، بلکه در آیات و روایاتی آن را امضا کرده است» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۰، ۳۶). امام خمینی (ره) نیز در کتاب البیع فرموده است «از آنجا که در نزد عقلا انسان مسلط بر نفس خویش است رواست که انسانی خون خود را بفروشد یا جسد خود را پس از مرگ در اختیار تحقیقات پزشکی قرار دهد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱، ۲۳). همان گونه که بنای عقلاء به عنوان مبنای قاعده اقدام در اموال مطرح است، بی تردید این مبنا در خصوص اقدام شخص بر نفس خویش هم جریان دارد پس اقدام می‌تواند در ابدان نیز جریان یابد و مسئولیتهای مربوط به آن از جمله ضمان ناشی از عملیات ورزشی را مرتفع سازد.

نکته ای که در اینجا آشکار می‌شود، این است که با توجه به مطالبی که بیان گردید، قاعده لاضرر که برگرفته از متن حدیث نبوی لاضرر و لاضرار فی الاسلام می‌باشد و بر نفی ضرر و زیان زدن به خود و دیگران در دین اسلام دلالت می‌کند، در این موارد منتفی است، زیرا وقتی رضایت زیان دیده در میان باشد، قاعده لاضرر منتفی می‌شود. در واقع قاعده سلطنت حاکم بر قاعده لا ضرر است و دایره قاعده لاضرر را محدود می‌کند.

۲. شرکت آگاهانه

ورزش به عنوان پدیده های اجتماعی از مسائل مختلفی تاثیر میپذیرد و گروه های مختلفی را به عنوان ورزشکار و تماشاچی زیر پوشش قرار میدهد، در کشور ما با اینکه همگان به اهمیت ورزش به عنوان پدیده اجتماعی، آگاهند و میدانند که هر پدیده اجتماعی میتواند به دلایل گوناگونی تحت تاثیر عوامل خطر زا قرار گیرد و مشکلاتی را برای جامعه و ورزشکاران فراهم کند، اما تحقیقات محدودی در زمینه شناسایی و پیشگیری از عوامل بحرانزا در زمینه ورزش، مخصوصا ورزش همگانی صورت گرفته است و این امر میتواند جامعه ورزش و در راس آن وزارت ورزش و جوانان را با دشواریها و خطرهای روبه رو کند و زمینه بحران را برای جامعه ورزشی فعال کند. (ابوالفضل فراهانی، لقمان کشاورز، ناهید مروی) ص ۵۳، (۱۳۹۷) اما علیرغم مطالبی که بیان شد، ورزشکاری که با علم و آگاهی از غیر قابل اجتناب بودن حوادث در ورزش و فعالیتهای ورزشی، میپذیرد که در این گونه فعالیتهای شرکت کند و در عوض از مزایای آن بهره مند شود در واقع آثار متعارف حوادث ورزشی را هم پذیرفته و به وقوع آنها رضایت داده است.

این نوع پذیرفتن آگاهانه حوادث در ورزش را در حقوق در ذیل قاعدهای حقوقی به نام قاعده اقدام نیز میتوان توجیه نمود. قاعده حقوقی اقدام میگوید هر کس کاری را به زیان خود انجام داد، یا با علم و آگاهی زبانی را برای خود پذیرفت، مسئولیت جبران زیان وارده هم با خود اوست و کسی در مورد زیان او مسئولیتی ندارد.

یکی از استادان، پذیرفتن آگاهانه زیانهای ناشی از ورزش توسط ورزشکاران را پای بندی به نوعی قرارداد ضمنی که مهمترین مشخصه آن وجود شرایط پذیرش خطر ناشی از بازیها و ورزشها و به ویژه مسابقه های ورزشی است دانسته اند.

قاعده مزبور و مبنای آن را به معافیت از مسئولیت کیفری نمی توان ربط داد. زیرا این قاعده ظاهراً به بحث زیانهای مالی مرتبط می شود (احسنی افروز، ۱۳۹۱، ۵۵).

«تصریح قانونگذار به این که حوادث ناشی از عملیات ورزشی به هر گونه ای که باشد جرم محسوب نمی شود، به معنای آن است که ورزش از علل موجهه محسوب و مرتکب هیچگونه مسئولیت اعم از کیفری و یا مدنی ندارد. بنابراین زیان دیده از عملیات ورزشی اعم از حریف یا تماشاگر یا غیر آنها با شرکت در بازی یا ورود به جایگاه تماشاگران صدمات و خسارات ناشی از عملیات ورزشی در چارچوب مقررات را پذیرفته است و نمی

تواند برای جبران خسارات وارده به دیگری رجوع نماید» (آقائی نیا، ۱۳۹۲، ۲۹). رضایت طرفین می تواند صدمات و جراحات وارده ضمن انجام عملیات ورزشی را توجیه و موجب زائل شدن وصف قانونی شود (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ۱۳۸).

«حوادث ناشی از عملیات ورزشی که با رعایت قانون صورت می گیرد در زمره علل موجهه جرم است و تحمیل دیه بر ورزشکار چه آن را کیفر بدانیم چه خسارت و یا ماهیت دوگانه ای را برای آن قائل شویم با صراحت بند (ث) ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی و سیاست کیفری قانون گذار در تعارض است. لذا مرتکب در حوادث ورزشی قابل کیفر نبوده و مسئولیت مدنی نیز ندارد» (یارمحمدی و اوصالی، ۱۳۹۱، ۳۶-۳۵). البته ارتکاب عملی که در حوادث ورزشی با عمد و با سوء نیت همراه نباشد. پس اگر در فوتبال یا هر ورزش دیگری ورزشکار در چارچوب مقررات اقدام کرد و طرف مقابل فوت کرد مسئول نیست مثلاً فرض کنید یک کشتی گیری حریفش را روی پل می برد و برابر مقررات او را روی پل نگه می دارد، کشتی گیری که مقاومت می کند ممکن است قطع نخاع شود ما برای مجری فن مسئولیت قائل نیستیم؛ مشروط بر این که در چارچوب مقررات فنی، اجرای فن کرده باشد. یا در فوتبال به هنگام ضربات ایستگاهی بازیکن اجازه دارد با تمام قدرت به توپ ضربه بزند. اگر توپ در بین راه به بازیکن حریف برخورد کند و منجر به فوت او شود، بازیکن مسئول نیست؛ چون مطابق مقررات این عمل را انجام داده است.

در نتیجه اگر ورزشکاری فنی بزند و این فن برخلاف مقررات، باشد مثل این است که این کار را در خیابان انجام داده و تعقیب می شود و مسئول است مانند اینکه در کشتی گردن طرف را بگیرد و بچرخاند و باعث قطع نخاع شدن حریف بشود زیرا گرفتن گردن در کشتی خطا محسوب می شود (یارمحمدی و اوصالی، ۱۳۹۱، ۳۸).

اگر در مسابقه ورزشی با رعایت مقررات حادثه ای رخ دهد در این صورت شخص ورزشکار (فاعل) مسئول نخواهد بود به عنوان مثال: اگر در بازی فوتبال ورزشکاری توپ را به حریف بزند البته بدون هیچ، قصدی و حریف آسیب ببیند ورزشکاری که این عمل را انجام داده مسئولیتی اعم از کیفری و مدنی نخواهد داشت (قبادی، ۱۳۷۸، ۹۴).

در فقه در این خصوص می توان به قاعده اذن استناد کرد. «إذن در لغت به معنای آگاهی، اعلام» (فراهیدی، ۱۴۱۴، ۷۴)، «رخصت و اباحه» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ۲۴) آمده است. از

اعلام کند بلکه گاه به صورت ضمنی یا به طور اولویت (فحوا) احراز می‌شود، همچنان که گاه قرائن و شواهد بر آن دلالت دارد. ناگفته نماند که دادن اذن به منزله اذن به تمامی آسیبهای ناشی از حوادث ورزشی نیست، زیرا عموم ورزشکاران ضربات ورزشی و خطرهای عادی و متعارف عملیات ورزشی را قبول می‌کنند و هرگز به خطرهای و آسیبهای ناشی از خطاهای عمدی و با سوء نیت طرف مقابل تن در نمی‌دهند.

۳. قبول خطر و پذیرش آگاهانه آن توسط ورزشکاران

«آگاهی شرط لازم در قبول خطر برای خواهان است. در واقع قبول خطر باید عموماً صورت پذیرد» (مقدادی، ۱۳۹۴، ۱۲۶). مثال بارز در باب اجرای قبول خطر مربوط به مسابقه اتومبیل رانی است. در یکی از مسابقات اتومبیل، رانی راننده یکی از اتومبیلهای مسابقه علیه مسیر اقامه دعوا می‌کند. راننده مدعی مالک بوده که با اتومبیلی که بعد از خط پایان در کنار مسیر پارک، شده تصادف کرده و مصدوم گردیده است. دادگاه حکم می‌دهد که چون راننده از وجود این اتومبیل خراب در کنار مسیر مسابقه و در فاصله چند صد متری خط پایان عملاً آگاهی داشته، از شرایط مسیر مسابقه مطلع بوده (به طور عینی خطر جاده و شرایط حاکم بر آن را می‌دانسته) و همچنین شرکت کننده مصدوم راننده مجرب مسابقه اتومبیل رانی بوده و از خطرهای ذاتی و اجتناب ناپذیر این مسابقه نیز باخبر بوده است (سابقه مواجهه با خطر شناخته شده را از طریق شرکت در مسابقه داشته است)، پس خطر مصدوم شدن را رسماً پذیرفته است و بنابراین جبران خسارت او ممکن نخواهد بود. این مورد از مصادیق واقعی قبول خطر به طور آگاهانه است (جامپین و والتر، ۱۳۸۸، ۲۰۷). مثال دیگر در این مورد، ورزشکاری است که در مسابقه بوکس شرکت می‌کند و آگاهی لازم را دارد مبنی بر اینکه این ورزش (بوکس) ورزشی خشن و مبتنی بر زدن ضربات سنگین به سر و صورت می‌باشد یعنی برای امتیاز گرفتن ضربات مشت باید به سر و صورت حریف برخورد کند و حتی در بعضی از مواقع با استفاده از تجهیزات مثل دستکش و کلاه نیز احتمال آسیب دیدگی و صدمه وجود دارد. در یک نمونه رای دادنامه شماره ۱۵۳۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری مجتمع قضایی امام خمینی شهر مشهد، در خصوص برائت مشتکی عنه رای صادر شده است. بر اساس محتویات پرونده حادثه آسیب دیدگی در مسابقات بوکس انتخابی جوانان و نوجوانان خراسان

دید فقها، اذن: «رخصت دادن کسی که امر به دست اوست برای تصرف در مال یا حقی و رفع مانع از آن» (البهبهانی، ۱۴۱۷، ۲۶۴).

«باید دانست که به همراه اذن، واژگان مشابه دیگری یافت می‌شوند که نیازمند تمایزاند. مهم‌ترین آنها اجازه است. اجازه همانند اذن، بر موافقت و رخصت دلالت دارد. لیکن اجازه در واقع به مفهوم امضاست، بنابراین اجازه بعد از انجام عمل است، در حالی که اذن پیش از صدور آن» (علوی قزوینی و مقدادی، ۱۳۹۰، ۱۲۳-۱۱۴).

«اذن برای اثرگذاری نیازمند ارکان و شرایط ویژه‌ای است، از یک سو اذن به عنوان ایقاع، نیازمند قصد انشاء و رضایت است. انشای اذن همانند دیگر انشاهای باید بر پایه اراده سالم باشد. از سوی دیگر اذن دهنده باید دارای اهلیت استیفاء (بلوغ، عقل و رشد) باشد و از نظر قانونی نیز دارای اختیار بوده و از تصرف در مورد اذن منع نشده باشد. با فراهم شدن ارکان و شرایط لازم برای اذن، احکام و آثار بسیاری بر آن بار می‌شود، اما اثر مهم اذن که در راستای انتقای از بین رفتن مسئولیت مورد توجه است، نقش اذن در رفع ضمان است» (حیاتی، ۱۳۹۲، ج ۴، ۱۹۵). «بدین ترتیب در مواردی اذن می‌تواند ضمان را بردارد. البته تحلیل دقیق‌تر اقتضاء دارد که میان دو موضوع تفکیک شود یکی اذن در اتلاف نفس و دیگری اذن در آسیب بدنی (اتلاف عضو). باید توجه داشت که اذن در اتلاف نفس همواره نارواست و با هیچ توجیهی نمی‌توان آن را پذیرفت در حالی که اذن به اتلاف عضو یا آسیبهای بدنی در مواردی موجه و امکان پذیر است. پرداختن به عملیات ورزشی می‌تواند مصداقی از مورد اخیر باشد زیرا شخص برای ورزش کردن و کسب، شادابی سلامتی و توانمندی گاه به آسیبهایی تن در می‌دهد و به حریف خود اذن می‌دهد که در راستای مقررات آن ورزش با او رقابت یا مبارزه کند و ضرباتی را به او وارد نماید» (علوی قزوینی و مقدادی، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۱۴).

بدین ترتیب می‌توان اذن را به عنوان یکی از مبانی انتقای از بین رفتن مسئولیت مدنی ورزشکاران در عملیات ورزشی دانست چه به طور معمول هر ورزشکاری با خواست و رضایت خود در مسابقات ورزشی حاضر می‌شود و با اشتیاق به میدان مسابقه و رقابت می‌نهد و به رغم آگاهی از برخوردها و ضربات و احتمال زیان به حریف یا رقیب خویش رخصت می‌دهد که با او رقابت نماید.

بی‌گمان ضرورتی ندارد که اذن دهنده به صراحت اذن خود را

با توجه به حاکمیت قبول خطر، جبران خسارت بدون قصد خاص ایراد صدمه و نیز برای حوادث ناشی از اشتباه سوارکار میسر نخواهد بود. ولی این به معنای براءت آنها هنگام داشتن رفتار بی باکانه عمدی و توأم با سوء نیت که منجر به صدمه شود نخواهد بود (جامپیون و والتز، ۱۳۸۸، ۲۲۸-۲۲۷).

«دیگر آنکه قبول خطر و اقدام و رضای زیان دیده و شرکت او در فعل زیانبار، حتی در آنچه مربوط به جان و سلامت او می شود، دآوری عموم و به دنبال آن حربه قانون را کند می سازد. مگر نه این است که ضرب و جرح به عمد جرم نابخشودنی است پس چرا آنکه با پای خود به میدان می رود و با دنده ای شکسته و دستی وبال بر گردن، بیرون می آید تنها به مردانگی و شجاعت خود می نازد؟ گویی جبران ضرر غرور او را لکه دار می کند و شگفت آنکه دادگاه و وجدان عمومی نیز به شکایت او به دیده تحقیر می نگرند و روی از آن باز می گرداند تا عهدشکنی را پاداش ندهد» (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ۳۹۶).

در مورد ادعای جبران خسارت توسط ورزشکار باید عنوان کرد که یک ورزشکار به واسطه شرکت آزادانه و آگاهانه در یک مسابقه برخی مخاطرات را می پذیرد که بدین ترتیب وی اجازه ندارد به خاطر صدمه وارده از حریفش ادعای جبران خسارت کند (سلیمی، ۱۳۹۰، ۱۹۲). دکتر صانعی معتقدند اگر کسی قبول خطر کند مستحق دریافت خسارت بابت زیان وارده نیست (صانعی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۲۳۴).

البته ورزشکاران اقدامات غیر ورزشی که در حین فعالیتهای ورزشی انجام می شود مانند اهانت کتک کاری و ضربه زدن و آسیب رساندن عمدی را نمی پذیرند. این کارها جرم عادی بوده و ورزش و اماکن ورزشی سبب مصونیت آنها از تحمل کیفر نخواهد بود (یارمحمدی و اوصالی، ۱۳۹۱، ۳۸).

لازم به توضیح است که، بعضی از خطرات در ذات آن ورزش نهفته است. خطرات ذاتی خطراتی هستند که نمی توان آنها را از یک فعالیت بدون تغییر اساسی ماهیت این فعالیتها حذف کرد. برای مثال، خطرهایی یا ریسک هایی در رابطه با تکل زدن و برخورد فیزیکی بدنی برای تصاحب توپ در فوتبال وجود دارد. فوتبال یک بازی به مراتب سالم و بی خطری خواهد بود اگر بازیکنان صرفاً خود را از سایر بازیکنان دور می کردند. با این حال حذف مهارت تکل زدن و برخوردهای فیزیکی اساساً بازی فوتبال را تغییر می دهد. پس خطرات مرتبط با تکل زدن ذات بازی فوتبال است (آندرسون و اسپنگلار، ۱۳۹۲، ۳۴). و همچنین در ورزش بوکس زدن ضربات به سر و صورت حریف برای امتیاز

رضوی روی داده است. در جریان این حادثه، یکی از بوکسرها به نام ح-ر، در حین مسابقه با حریف از ناحیه چشم دچار آسیب می شود. آسیب وارده باعث می شود وی تا حد ۶۰ درصد بینایی خویش را از دست بدهد. ح-ر به همراه والدین طی شکایتی، علیه حریف اقامه دعوا می کند. در جریان این دعوا، بر اساس نظریه کارشناسی، ضعف بینایی در اثر ضربه وارده در مسابقه بوکس تایید می شود. با توجه به اینکه وارد شدن ضربات در مسابقات رزمی چون بوکس طبیعی است و وی با علم و آگاهی به ورزش بوکس مبادرت به مسابقه نموده است و از طرفی رعایت قوانین بازی از سوی حریف مورد تایید قرار می گیرد. بر همین اساس دادگاه حکم به براءت مشتکی عنه صادر می کند. مثال دیگر در باب قبول خطر بدین شرح است: سوارکاری حرفه ای که در جریان یک مسابقه اسب دوانی مصدوم شده بود، علیه سوارکار دیگر با ادعای اینکه صدمه ناشی از تقصیر او در مسابقه، بوده اقامه دعوا می کند. دادگاه فقدان قصد خاص به ایراد صدمه یا به ایجاد حادثه از طرف خوانده (سوارکار) را مانع جبران خسارت ناشی از صدمات وارده بر خواهان دانست که در نتیجه اشتباه یا بی توجهی سوارکار دیگر در اسب دوانی وارد شده بود. استدلال دادگاه این بود که مسابقه اسب دوانی سرعت با اسبهای اصیل، برحسب ماهیت، خود ورزشی است که برای شرکت کنندگان خطرهای بزرگی را در پی دارد. بیش از دوازده اسب هر کدام با وزنی حدود ۴۵۴ تا ۵۴۴ کیلوگرم با تمام قدرت از نقطه شروع کنده می شود و تلاش می کنند که موقعیت برتری را در خط اول به دست آورند سوارکاران با پاهای گشاد بر پشت این اسبها و با وزنی حدود ۴۵ کیلوگرم با سرعت، تمام برای دستیابی به مقام پیش می تازند در این تاختن برای موقعیت برتر به علت اشتباه هر دو سوارکار و مشکلاتی که در کار کنترل اسبها وجود دارد درگیری و تصادم امری عادی است و گهگاه حتی منجر به سقوط می شود که در آن صدمه نیز می بینند دادگاه می افزاید که چنین خطرهایی با مسابقه اسب دوانی قابل تفکیک نیست و برای همه سوارکاران و از جمله خواهان که هفت سال سابقه سوارکاری حرفه ای داشته، به خوبی شناخته شده بوده است. در ضمن اظهارات کتبی خواهان نشان داد که او از خطرهای این ورزش نیز آگاهی داشته است. بنابراین فقدان قصد خاص ایراد صدمه یا ایجاد حادثه از طرف دیگر سوارکار که مورد ادعا نیز نبوده است دادگاه را بر آن داشت که حکم دهد خسارات ناشی از صدمات که در نتیجه اشتباه یا بی توجهی سوارکاران در جریان اسب دوانی رخ می دهد. قابل جبران نیست.

گرفتن جزء ذات ورزش بوکس خواهد بود اگر از زدن ضربات مشت در این ورزش جلوگیری شود و ضربات رد و بدل نشوند ماهیت این ورزش تغییر خواهد کرد.

در ادامه به طرح دادنامه شماره ۱۶۷۸ مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۲ صادره از شعبه ۱۱۰۲ دادگاه عمومی تهران - که مرتبط با موضوع تحقیق است، پرداخته می شود. محتویات پرونده حکایت از حادثه‌ای در تاریخ ۸۹/۲/۳۰ در حین آموزش فنون رزمی (تکواندو) در مجتمع ورزشی خوش وابسته به شهرداری منطقه ده تهران و منجر به فوت مرحوم م - ص، دارد. خانم ش - ح مادر متوفی طی شکایتی علیه مسئولین باشگاه و مربی مربوطه تقاضای تعقیب آنان را نموده است. دادگاه جهت روشن شدن صحت و سقم موضوع و علت حادثه و شناسایی سبب نزدیک مبادرت به تحقیقات جامع و وسیع و همچنین کسب نظر پزشکی قانونی و کارشناسان فدراسیون تکواندو نمود. پزشکی قانونی علت مرگ را شوک ناشی از ضربه وارده به منطقه حساس اعلام کرد. آنچه مسلم است در ورزشهای رزمی وارد ساختن ضربات مختلف جزو اصول آن می باشد. دادگاه برای روشن شدن این موضوع که آیا ضربه به صورت صحیح و در چارچوب ضوابط ورزش تکواندو وارد شده یا خیر، مبادرت به جلب نظر کارشناسان فدراسیون تکواندو نمود که هیأت کارشناسان فدراسیون تکواندو طی گزارش مبسوطی به شماره... عملکرد مربی آقای م - س را متعارف و مطابق مقررات ورزش تکواندو اعلام نموده اند... بنا به مراتب توجهها به اظهارات شاکیه خانم ش - ح مادر مرحوم م - ص و آقایان م - خ مسئول وقت مجموعه ورزشی خوش و م - س مربی ورزش تکواندو و اظهارات تعدادی از هنرآموزان ورزش مذکور که ناظر صحنه بوده اند و همچنین نظریه کارشناسان فدراسیون تکواندو و پزشکی قانونی، دادگاه حادثه مذکور را در چارچوب ضوابط ورزش تکواندو دانسته و عمل غیر متعارفی را متصور نمی داند و بنا به حاکمیت قاعده برائت الذمه به استناد اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکم به برائت آقای م - س مربی و آقای م - خ مدیر وقت باشگاه ورزشی خوش صادر و اعلام می نماید. بر رای صادره از نظر استدلال ایرادی وارد نیست زیرا دادگاه با جلب نظر کارشناس ضربه وارده را از اصول ورزش تکواندو تشخیص و به دلیل مطابقت با مقررات ورزش های مورد اشاره و بنا به حاکمیت قاعده برائت الذمه به استناد اصل ۳۷ قانون اساسی حکم به برائت متهمین داده است.

در فقه قاعده تحزیر بیانگر و تبیین کننده اصل پذیرش آگاهانه خطر است (مقدادی، ۱۳۹۳، ۲۳۴ - ۲۳۳). «در این خصوص باید گفت برای به کارگیری قاعده تحذیر در حوادث ناشی از عملیات، ورزشی مانعی وجود ندارد پیش از مسابقه یا رقابت ورزشی، هشدارهای خاصی به ورزشکاران یادآوری شده و احتمال آسیب و صدمه به آنان گوشزد می شود و حتی ممکن است که از آیین و مقررات خاص یک رشته، ورزشی هشدارهایی را برداشت کرد. اما باید توجه داشت که در این گونه موارد هشدار و اخطار به صورتی عمومی است و از سوی عامل زیان (ورزشکار) به زیان دیده (ورزشکار دیگر) اعلام نشده است» (حیاتی، ۱۳۹۲، ج ۴، ۱۹۵). «البته باید پذیرفت که قاعده تحذیر در حوزه ورزش، بیشتر در رابطه با تماشاگران و افراد غیر ورزشکار کارایی دارد زیرا همان گونه که در متن حدیث وارد شده و نیز برداشت و نمونه های ذکر شده در عبارات فقیهان نشان می دهد اگر در بازی یا مسابقه ای به رغم اعلام اخطار و هشدارهای لازم (اعم از گفتاری یا نوشتاری) به تماشاگران و سایر افراد آنان خود را در مسیر حادثه و در معرض خطر و آسیب قرار دهند و از رهگذر آن زیانهای را متحمل شوند به موجب قاعده تحذیر مسئولیت این خسارتهای و زیانها برعهده هشدار دهنده نیست. برای مثال تماشاگرانی که از فاصله های مقرر عبور کرده و خود را نزدیک میدان مسابقه قرار می دهند یا افرادی که در پیست های اتومبیل رانی یا اسکی به تابلوهای اخطار توجهی نکرده و در مکانهای مخاطره آمیز مستقر می شوند مصداق روشنی برای قاعده تحذیراند» (مقدادی، ۱۳۹۳، ۲۳۸ - ۲۳۹).

در سال ۲۰۰۲ دختر ۱۳ ساله بعد از ضربه ای که در اثر یک توپ هاکی به سرش وارد شد در جریان بازی آبی پوشان کلمبیا در ماه مارس پس از دو روز درگذشت. در ته بلیت این مسابقه درباره خطرات ناشی از سرعت توپ هشدار داده شده بود. کاملاً مشخص است که یک چنین اخطارهایی نمیتوانست از مرگ ناشی از اصابت چنین توپهایی جلوگیری نماید. درست است که قرارداد رسمی بین برگزارکنندگان مسابقات و تماشاگران ورزشی وجود ندارد ولی میتوانیم بلیت فروشی در یک مسابقه ورزشی و ذکر موارد مهم در بلیت را نوعی قرارداد ضمنی دانست که حضور تماشاگر در جایگاه به معنی پذیرفتن شرایط است. زمانی که یک رویداد ورزشی برگزار میشود، جمعیت زیادی برای تماشای این رویداد جمع میشود و احتمال صدمات تماشاگران نیز در این رویداد بالا می رود و این وظیفه سازمان دهندگان

کنار حریف عبور کرده و باعث افتادن و جراحت فریزر شده که این رفتار برخلاف مقررات مسابقه بوده است و جانشین مراقبت معقول از دیگر سوارکار را به عمل نیاورده است، درحالی که این خطر قابل پیش بینی بوده است و دادگاه به همین دلیل جانشین را به پرداخت غرامت محکوم کرد (Healy, ۲۰۱۲, ۸۵).

زیرا در حوزه حقوق ورزشی تنها آن دسته از ضرر و زیانهای وارده به اشخاص در جریان عملیات ورزشی قابل مطالبه هستند که در دید عرف ورزشی ناشی از رفتاری نامتعارف و خطرناک باشد. (زارع، همان، ۲۰۰۶). در زمینه بازیهای ورزشی، نیازهای اجتماعی و قدرت، عرف، سلطه قانون و دولت را بی فروغ و ناتوان کرده است؛ چنانکه زدن مشت بر چانه حریف و لگدی جانانه در بوکس و کاراته را مردم آفرین می گویند اما قانون سرزنش و تنبیه می کند و سرانجام قانون است که گام به عقب می نهد و مسابقه مشت زنی و لگدپرانی را در نظام خود می پذیرد و برای آنان که قدرت عرف و قوانین خود جوش اجتماعی را برتر از قانون دولتی می شمردند، بر این امر دلالت دارد که قانون باید از اریکه قدرت به زیر آید و نقش نخستین را به عرف واگذار کند (پازوکی؛ دهقان، ۱۴۰۳، ۵۶). باید توجه داشت که در عرف بازیهای ورزشی خطاهای ناخواسته و قابل اغماض فراوان است (محمودی عالمی؛ حامی؛ سنایی؛ شجاعی؛ ۱۴۰۰، ۱۸۲-۱۶۷). از لغزشهای جزئی که لازمه نشاط و غرور جوانی است باید گذشت و تنها به خطاهای بزرگ و به ویژه عمد یا بی اعتنائی به اضرار پرداخت.

۵. رعایت مقررات ورزشی

به نظر می رسد تسری مسئولیت به ورزشکاران (مبارزین) و حتی مربیان و داوران در مواقعی که مسابقات به صورت صحیح انجام شده و کلیه مقررات مربوط به ورزش مربوطه رعایت شده باشد نه منطقی است و نه مصلحت. چرا که اگر ما دامنه مسئولیت در امور ورزشی راحتی به حرکات و تکنیکهای مجاز نیز سرایت بدهیم چگونه می توان از مردم انتظار داشت به ورزش بپردازد؟ و چگونه می توان انتظار پیشرفت و ترقی را در ورزش داشت؟ آیا مسئولیت شخصی که چاهی را به صورت غیر مجاز حفر می کند و یک نفر در آن چاه فرو می افتد و موجب و ورود صدمه به وی و یا فوت او می شود را می توان با ورزشکاری مقایسه نمود که مثلاً در بازی فوتبال حسب ضرورت این ورزش، توپ را شوت کرده و بر اثر برخورد این توپ با بدن یا سر ورزشکار دیگر موجب فوت یا مصدومیت او می گردد.

وقایع ورزشی است که مراقبت های معقول را در جهت حفظ جان تماشاگران انجام دهند و در این باره غفلت نکنند و درباره هشدار وجود خطر عاقلانه ترین راه این است که نشانه های خطرهای بالقوه را هشدار دهند تا هم وظیفه مراقبتی خود را در قبال اشخاص موضوع حقوق ورزش انجام دهند و هم از بروز مسئولیت در این عرصه خودداری کنند زیرا در بسیاری از ورزشها خطرات بالقوه ای وجود دارد که ممکن است تقصیر برعهده ورزشکار خاطی قرارداد شده مثل پرونده های که در بالا بررسی شد در حالیکه در بسیاری از ورزشها که خطر علاوه بر ورزشکاران، بقیه اشخاص حقوق ورزش از جمله تماشاگران را تهدید می کند این وظیفه سازمان ها و موسسات ورزشی است که نسبت به خطرهای بالقوه هشدار دهند و اینکه اخطار تمامی خطرهای ممکن در زمینه ورزش ممکن نیست (Epstein, ۲۰۰۳, ۷۹).

۴. اقدام ورزشکار در قالب عرف ورزش

صرف اثبات ایراد ضرر و زیان از سوی مدعی برای تحقق مسئولیت مدنی ناشی از فعالیتها و عملیات ورزشی کافی نیست. چنانچه از رفتارهای متعارف و منطبق با قانون، ورزشکاری خسارتی که عرف آن را در جریان بازیهای ورزشی متعارف و قابل اغماض می داند به دیگران وارد کند، این خسارات علی رغم اثبات توسط مدعی قابلیت مطالبه نداشته و مسئولیت مدنی برای مرتکب ایجاد نمی کنند. به عنوان مثال اگر دروازه بانی هنگام دفع توپ از داخل محوطه جریمه خودش به نحو متعارفی با بازیکن تیم حریف برخورد کرده و بر اثر این برخورد به جسم بازیکن حریف آسیبی وارد آید که ناشی از رفتار متعارف دروازه بانی باشد که قوانین و مقررات بازی فوتبال را هم در این برخورد نقض نکرده، است علیرغم ایراد ضرر و زیان به بازیکن حریف، به علت اینکه رفتار دروازه بان را قانون و عرف حاکم بر بازیها منطبق بر مقررات و عرف حاکم یا به دیگر سخن رفتار وی را قانونی و منطبق با رفتار ورزشکاری آگاه و محتاط در شرایطی که فعل زیانبار واقع شده می دانند، مسئولیت مدنی تحقق پیدا نمی کند (زارع، ۱۳۸۵، ۱۲۰).

البته باید توجه داشت در ورزشهای پرخطر، ورزشکاران متعهد به مراقبت از همدیگر هستند. به عنوان نمونه در پرونده فریزر علیه جانشین تایید شد که شرکت کنندگان متعهد به مراقبت از یکدیگر هستند. این قضیه مربوط به تصادم بین دو سوارکار بود که قاضی متوجه شد که جانشین با حالت خطرناکی با اسب از

کمتر مرتکب اعمال ضدا اجتماعی شوند؛ همین امر باعث ارتقاء نگرش منفی فرد نسبت به رفتارهای نامطلوب اجتماعی است. (همان)

۶. قرارداد اسقاط حق

«اسقاط حق یکی از صور قراردادهای برائت یا مصونیت از مسئولیت است که هدف نهایی از آن خلاصی یکی از طرفین قرارداد از قسمتی از مسئولیتش در برابر طرف دیگر است. قراردادهای برائت و مصونیت از مسئولیت نیز در توجیه پاره‌ای از حوادث ورزشی و انتقای از بین رفتن مسئولیت مدنی در آن نقش دارد. این مورد غالباً به صورت مکتوب و طی قرارداد میان بازیکنان و فرم شرکت در مسابقات و بازیها مورد بهره برداری قرار می‌گیرد. قرارداد اسقاط حق در صورتی معتبر خواهد بود که روشن و بدون ابهام باشد، متن مستقیماً مربوط به مسئولیت باشد، خلاف نظم عمومی نباشد و متضمن مفهوم نادیده گرفتن خطای فاحش نباشد. قرارداد نباید نشان دهنده عدم تعادل بزرگی میان قدرت طرفین باشد و اینکه قرارداد معافیت از مسئولیت در مورد زیانهای عمدی و با سوء نیت نفوذ و وجاهت ندارد» (جامپیون و والتز، ۱۳۸۸، ۲۴۳). برخی فقها گفته اند: «هر صاحب حقی می‌تواند حق خود را اعمال یا اسقاط نماید پس اگر مالکی حق خود اسقاط کرد نتیجه آن عدم ثبوت ضمان بر متصرف و عدم حق مطالبه برای مالک است» (مصطفوی، ۱۴۱۵، ۴۹).

اسقاط حق معمولاً در فعالیتهای بسیار خطرناک بیشتر مورد توجه قرار خواهد گرفت به ویژه در مواردی که قرارداد آن به اراده شخص امضاء شود و حاصل توافق آگاهانه باشد.

به عنوان مثال شرکت در مسابقات اتومبیل رانی و سایر رویدادهای ورزشی یک تعهد آگاهانه است. چنانچه بازیکن عاقلی تمایل به شرکت در رقابت ورزشی داشته باشد و آزادانه با عدم مسئولیت سازمان دهنده یا سرپرست آن رویداد در قبال صدمات وارده به او موافقت کند، دادگاه ملزم به اجرای مفاد چنین قراردادی خواهد بود. اگر اینگونه قراردادها مورد حمایت قرار نمی‌گرفت مسئولیت کسانی که چنین رویدادهایی را سازماندهی یا سرپرستی می‌کنند به حدی افزایش می‌یافت که هیچ کس حاضر به قبول مسئولیت سرپرستی یا سازماندهی رویدادهای ورزشی نمی‌شد و چنین وضعیتی در راستای منافع جامعه نخواهد بود.

در خصوص شرط اسقاط حق در فقه باید گفت که روایات

آیا می‌توان خسارات ناشی از تصادفات را با خسارات ناشی از ضربات مجاز دست یا پا در ورزشهای رزمی به یک نحو قضاوت نمود و هزاران مثال، دیگر بیانگر این است که ما ناگزیریم برای تداوم امر ورزش راه حلهای دیگری در رابطه با مسئولیت مدنی و جبران خسارت در امور ورزشی ابداع یا ارائه نماییم. بدیهی است راه حلهای ارائه شده باید آنچنان باشد که موجب سوء استفاده نشده و راه را برای کسانی که با سوء نیت یا عدم رعایت مقررات و نظامات مربوطه موجب ورود خسارت یا صدمه به دیگران می‌گرداند باز نگذارد، آنچه مسلم است چنانچه سوء نیت ورزشکاری در بکارگیری حرکات و تکنیکهای ورزشی احراز گردد جای هیچگونه تردیدی در مسئولیت و محکومیت وی باقی نمی‌ماند (رستم شیرازی، ۱۳۷۴، ۷۹-۷۸).

پس می‌بایست برای حوادث ورزشی و مسئولیتهای ناشی از آن بدنبال راه حلهای مناسب با تربیت بدنی و روح ورزش بود. البته صرف نظر از قانون، مهارتهای زندگی شامل مجموعه‌ای از تواناییها هستند که قدرت سازگاری و رفتار مثبت و کارآمد را افزایش میدهند. در نتیجه شخص قادر میشود بدون این که به خود یا دیگران صدمه بزند، مسئولیتهای مربوط به نقش اجتماعی خود را بپذیرد و با چالشهای روزانه اجتماع به شکل مؤثر روبه رو شود. فرایند نقش مهارتهای زندگی در ارتقای بهداشت روان را به شکل زیر میتوان نشان داد: یادگیری موفقیت آمیز مهارتهای اجتماعی برای ورزشکاران، احساس یادگیرنده را در مورد خود و دیگران تحت تأثیر قرار میدهد و علاوه بر این کسب این مهارتها نگرش دیگران را نیز در مورد فرد تغییر می دهد. موارد بیان شده میتواند به فرهنگ احترام متقابل نیز منتهی شود و اینکه تعاملات دوسویه را افزایش دهد که در نهایت این موارد منجر به تشکیل متغیر همافزایی هنجاری می شود. (فراهانی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۳) به عنوان مثال در بحث داوری داوران آگاهی و توجه داوران نسبت به مسئولیت اجتماعیشان در زمان اتخاذ تصمیم در درون میدان مسابقه از اهمیت بسیاری برخوردار است. (رامین ایرجی نقندر، حمید قاسمی، ابوالفضل فراهانی، ۱۴۰۲، ص ۳۵۰) از طرف دیگر مهارت مسئولیت پذیری اجتماعی به دلیل رشد آگاهی های داوران نسبت به جامعه و مسئولیت - هایش و همچنین احترام به رعایت حقوق دیگران و ارزش نهادن برای تنوعات اجتماعی، حس عدالتخواهی را در داوران رشد میدهد و همین امر موجب خواهد شد حس گناه و شرم بین داوران، زمانی که اقدام به عملی میکنند که برای دیگران مضر است، بیدار شود و داوران

پیش از نکاح اسقاط نفقه آینده و شرط عدم خیار اشاره نموده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱، ۱۵۴). افزون بر این تفاوت شرط عدم مسئولیت با ابراء در این است که در شرط عدم مسئولیت توافق ناظر به سقوط دین موجود نیست تا بتوان ادعا کرد که نمی‌تواند موضوع آن معدوم باشد. شرط عدم مسئولیت بدین معنی است که هرگاه در آینده شرایط تحقق مسئولیت ویژه‌ای جمع شود آن مسئولیت به وجود نیاید، یعنی مفاد توافق ناظر به آینده و با توجه به احتمالی بودن آن است بی‌گمان چنین توافقی را نباید ناممکن پنداشت و بهترین دلیل امکان چنین پیمانی وجود آن در عالم خارج است.

با توجه به آنچه تاکنون گفته شد، می‌توان انتفا و از بین رفتن مسئولیت مدنی ورزشکاران در عملیات ورزشی را بر پایه شرط عدم مسئولیت قابل توجیه دانست. پس ورزشکاران می‌توانند قبل از شروع به رقابت یا مسابقه ورزشی در قالب شرط عدم مسئولیت نسبت به خسارت‌های احتمالی ناشی از عملیات ورزشی از دیگر ورزشکاران حریف و رقیب ورزشی تبری حاصل نمایند.

نتایج پژوهش

بر اساس، مبانی علل و شرایط یاد شده معافیت از مسئولیت مدنی ورزشکاران در برابر حوادث و آسیب‌های ناشی از عملیات ورزشی قابل توجیه و پذیرش است. قاعده اقدام با گستره وسیع خود هرگونه آسیب و خسارت ناشی از عملیات ورزشی را در بر می‌گیرد و اقدام تنها به اموال و حقوق مالی اختصاص ندارد بلکه در آسیب‌های بدنی نیز جاری است. ورزشکاری که قبول خطر می‌کند آگاهانه و با اراده با خطرهایی که سبب ضرر و زیان می‌شود مواجه می‌شود علاوه بر این، در شرط عدم مسئولیت افراد می‌توانند از تعهداتی جلوگیری کنند که ممکن است در آینده با آن مواجه شوند چنین توافقی را نباید ناممکن پنداشت و از شرایط صحت شرط نیز برخوردار است. در بحث رضایت زیان دیده ملاحظه می‌شود که رضایت زیان دیده در موارد استثنایی رافع مسئولیت عامل زیان است. در (مورد زیانهای غیر عمدی بخاطر اهداف و مصالح مهم) در رویه قضایی نیز آرای مهمی چه از دادگاههای داخلی و خارجی در رابطه با معافیت از مسئولیت مدنی در حوادث ورزشی صادر شده است و مبین این مطلب می‌باشد. عرف و عدالت ایجاب می‌کند که باید با گسترش پوشش بیمه ورزشی نه تنها حوادث ورزشی را از زمره جرائم خارج نمود بلکه آن را از حیطه‌ی مسئولیت مدنی افراد نیز خارج کرده و خسارات را به طریق اشتراک جمعی جبران

متعددی با این مضمون وارد شده که «المؤمنون (المسلمون) عند شروطهم» یعنی مسلمانان به شروط میان خویش پایبندند. «با این ترتیب شرط قالب مناسبی برای ایجاد حق و التزام و یا رهایی از تعهد و مسئولیت گردیده است تا آنجا که گاه شخصی (عامل زیان) با پیش بینی وضعیت آینده شرطی بر زیان دیده احتمالی تحمیل می‌کند که به موجب آن از پرداخت تمام یا بخشی از خسارات معاف می‌شود شرط (عدم مسئولیت)؛ اگرچه شرط عدم مسئولیت در حوزه قراردادی و نیز در روابط اقتصادی تولید کننده و مصرف کننده کاربردی بیشتر دارد، لیکن با تحلیل شایسته می‌توان از آن در حوزه انتفای (از بین بردن) مسئولیت مدنی ناشی از آسیبها و خسارات بدنی، از جمله حوادث مربوط به عملیات ورزشی بهره برد» (علوی قزوینی و مقدادی، ۱۳۹۰، ۱۲۳-۱۱۴).

«پرسش‌ها و تردیدهایی در این باره وجود دارد از جمله اینکه آیا شرط و توافق عدم مسئولیت از شرایط صحت شرط برخوردار است؟ در ابتدا این گونه به نظر می‌رسد که مفاد این نوع شرط برخلاف احکام و مقررات ضمان منعقد می‌شود و در مخالفت با ادله تردید ناپذیری که زیان زنده را مسئول می‌داند بر آن توافق می‌گردد. در حالی که مخالف نبودن شرط با کتاب الهی و سنت معصومین (ع) از شرایط درستی شرط است» (علوی قزوینی و مقدادی، ۱۳۹۰، ۱۲۳-۱۱۴). «در پاسخ باید گفت: منظور از مخالف نبودن شرط با کتاب و سنت این است که آدمیان نمی‌توانند در حوزه خاص شرع از طریق اراده خود دخالت کنند» (محقق داماد، ۱۳۸۸، ۱۳۲). مثل اینکه «در ضمن عقد بیع بر یکی از طرفین به صورت شرط نتیجه شرط شود که زوجه او مطلقه باشد و یا شخصی اجنبی وارث او شود در حالی که ضمان و جبران خسارت خصوصی (که غالباً از طریق دادن مبلغی پول است) جزء مواردی است که در قلمرو اختیارات فرد قرار دارد و می‌تواند آزادانه در مورد آن تصمیم‌گیری نماید. تردید دیگر این است که شرط عدم مسئولیت برای مبراء شدن از تعهدی است که به طور احتمالی در آینده ایجاد می‌شود و همان گونه که ابراء تنها در مورد دین موجود امکان دارد و نسبت به تعهد احتمالی در آینده معقول به نظر نمی‌رسد و به عبارت دیگر از موارد اسقاط ما لم یجب است که مردود می‌باشد» (الحلی، ۱۴۰۹، ۲۶۴).

لیکن به نظر می‌رسد اشکال فوق فاقد وجاهت لازم است. چه اساساً «اسقاط مالم یجب متکی به دلیل معتبری نیست و از این رو فقیهان دیگری به سستی این اشکال اذعان کرده‌اند» (بحر العلوم، ۱۹۷۳، ج ۴، ۸۰). اینان به مواردی نظیر اسقاط مهریه

نمود. قوانین و مقررات ما در مورد موضوع معافیت از مسئولیت مدنی در حوادث ورزشی نارساست و حتی پاسخ مناسبی هم برای وجود یا عدم مسئولیت مدنی ورزشکاران یافت نمی‌شود. شایسته است که معافیت از مسئولیت مدنی ورزشکاران در قوانین و مقررات مربوطه به طور روشن و مشخص منعکس شود؛ همان طور که معافیت از مسئولیت کیفری در بند (ث) ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی بیان شده و به صراحت تعیین تکلیف شده است.

در این خصوص به طور مشخص پیشنهاد می‌گردد در قوانین مسئولیت مدنی با توجه به قاعده اقدام و پذیرش خطر در حوادث ورزشی ماده‌ای مقرر گردد که اصل بر عدم مسئولیت وارد کننده

زیان است مگر اینکه تقصیر او ثابت شود.

سیاسگزاری

بدینوسیله از مدیریت دانشگاه پیام نور و همچنین از سر دبیر محترم و مدیر مسئول فصلنامه وزین پژوهشهای کاربردی در مدیریت ورزشی سپاسگزاری میشود که با توجه به اینکه موضوعات حقوق ورزشی دارای اهمیت بوده و از جایگاه ویژه‌ای در بین محورهای علوم ورزشی برخوردار است، مقاله حاضر را مورد پذیرش قرار داده اند.

References

۱. Aghaee Nia, H. (۱۳۶۹). Sports rights. ۱th edition. Tehran: Moin Publications. (InPersian)
۲. Aghaee Nia, H. (۲۰۰۷). Criminal liability arising from sports operations. Journal of Tehran University of Law and Political Sciences, ۱۴(۴۶): ۱۲-۲۵. (InPersian)
۳. Aghaee Nia, H. (۲۰۱۲). Sports rights. ۱۳th edition. Tehran: Mizan Publications. (InPersian)
۴. Abolfazl Farahani; loghman Keshavarz; nahid marni; Analysis of crisis factors in public sports. (۲۰۱۸)
۵. Alavi Qazvini, SA; Moqdadi, M. M. (۲۰۱۸). Jurisprudential and legal bases of lack of civil responsibility of athletes in sports operations. Nameh Mofid scientific and research journal, ۱۵(۴۸), ۱۱۴-۱۲۳. (InPersian)
۶. Al-Heli, AB M. (۱۴۰۹). Al-Rashah al-Ashhar. ۱th edition. Qom: Al-Sayed Al-Marashi School. (In Arabic)
۷. Al-Hosseini Milani, SA (۱۴۰۱). katab qhaza (Sayyid Mohammad Reza Golpaigani's speeches). first volume. ۲th edition. Qom: Matia al-Khaim. (In Arabic)
۸. Al-Vahid Al-Bahbahani, M.B. (۱۴۱۷). hashya Majmam al-Faideh and Al-Barhan. ۱th edition. Qom: Al-Wahid Al-Behbahani Institute. (In Arabic)
۹. Anderson, J. ; Spenglar, P. M. (۲۰۱۲). An introduction to sports law. Translated by Fatema Abdavi and others. ۱th edition. Tehran: Definitive Publications.
۱۰. Anisi, M. A. (۲۰۱۴). Civil liability and sports rights. ۱th edition. Tehran: Javadane Publications.()
۱۱. Ansari, M. (۱۴۳۰). Al Makasab. The sixth volume. ۱th edition. Qom: Jamal al-Fikr al-Islami.(In Arabic)
۱۲. Bahr al-Oloom, A.L. (۱۹۷۳). Bahosa Faqhiyyah (sermons of Sheikh Hossein Al-Halli). ۲th edition. Beirut: Dar al-Zahra.(In Arabic)
۱۳. Ehsani Afrooz, M. (۱۳۹۱). Sports law with an attitude towards the sport of Taekwondo. ۱th edition. Tehran: Judge Publications. (InPersian)
۱۴. Epstien Adam. (۲۰۰۳). Sports Law. Second edition. Washington, D.C.: Clifton Park, NY:Thomson Delmar Learning, ۲۰۰۳.(In English)
۱۵. Esfahani, M. H. (۱۴۱۷). hashya al-Masab. The fifth volume. ۳th edition. Qom: Dar al-Mustafa Lahia al-Tarath.(In Arabic)
۱۶. Farahidi, Khaba A. (۱۴۱۴). Al-Ain. ۱th edition. Qom: Asoeh Publications. (In Arabic)
۱۷. Ghasemi H., Farahani A., Irji Naghandar R. (۲۰۲۰), Designing a Model of the Role of Social Exchange on Decision-Making of Asian Elite Football and Futsal Referees, Journal of Applied Research in Sports Management,. (InPersian)

۱۸. Ramin iraji noghandar' hamid Ghasemi' abolfazl Farahani (۲۰۲۳) Determining the Responsibility hierarchy pyramid and Its Relationship with Demographic Characteristics in Asian elite socoouer and futsal referees
۱۹. Goldouzian, A. (۲۰۱۵). Requirements of general criminal law. ۱۳th edition Tehran: Mizan Publishing. (InPersian)
۲۰. Hayati, A.A. (۲۰۱۲). Civil rights (civil liability). The fourth volume. ۱th edition. Tehran: Mizan Publishing. (InPersian)
۲۱. Healey Deborah.(۲۰۱۲). Sport and the Law, ۱۶th ed. University of New South WalesPress (In English)
۲۲. Hekmatnia, M. (۲۰۰۶). Civil liability in Imami jurisprudence. ۱th edition. Qom: Islamic Science and Culture Research Institute. (InPersian)
۲۳. Jumpion, J.; Walter, T. (۲۰۰۸). Legal foundations of sports (civil responsibility in sports). Translated by Hossein Aghaeinia, ۱th edition. Tehran: Judge Publications.
۲۴. Katouzian, N. (۲۰۰۶). Obligations outside the contract. Volume ۱. ۷th edition. Tehran: Tehran University Press. (InPersian)
۲۵. Mahmoudi Alami, Mqdad; Hami,Mohammad;Sanaee, Mohammad; Shujaei, Vahid (۲۰۲۱). A comparative study of the civil liability of athletes and how to compensate for its damages in the legal system of Iran, England, and France. Journal of Physiology and Management Research in Sports. ۳(۴۸): ۱۶۷-۱۸۲. (InPersian)
۲۶. Makarem Shirazi, N. (۱۴۱۰). Al-Qhavahid- al Fiqhiyyah. ۲th edition. Qom: Madrasa al-Imam Ali (AS). (In Arabic)
۲۷. Meqdadi, M. M. (۲۰۱۴). Jurisprudence and legal foundations of the civil responsibility of athletes. ۲th edition. Tehran: Mofid University Press. (InPersian)
۲۸. Meqhdadi, M. M. (۲۰۱۴). Jurisprudence and legal foundations of the civil responsibility of athletes. ۱th edition. Tehran: Mofid University Publications. (InPersian)
۲۹. Mirhajian S., Safania A., Azad Fada S., Farahani A. (۲۰۲۲), Qualitaive study of the Social Capital in Iranian Sports (A Case Study of Sports Elites), Journal of Applied Research in Sports Management, ۳۳(۳): ۲۷-۳۶. (InPersian)
۳۰. Mohaghegh Damad, S. M. (۱۳۷۶). Jurisprudence rules of the civil sector. Second volume. ۱۰th edition. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. (InPersian)
۳۱. Mohaghegh Damad, S. M. (۱۳۸۲). Rules of jurisprudence (civil section). Volume II. ۱۰th edition .Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. (InPersian)
۳۲. Mohaghegh Damad, S. M. (۲۰۰۸). General theory of conditions and obligations in Islamic law. ۱th edition. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. (InPersian)
۳۳. Mousavi Khomeini, R. L. (۱۳۷۶). Kitab al-Bai .first volume. ۱th edition. Tehran: Imam Khomeini (RA) Organization and Publishing Institute. (In Arabic)
۳۴. Mousavi Sabzevari, SA (۱۴۱۶). Mahezab Al Ahkam. The twenty-ninth volume. ۴th edition. Qom: Author's Office. (In Arabic)
۳۵. Mustafavi, M. K. (۱۴۱۵). Al-Qhavahid. ۲th edition. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute. (In Arabic)
۳۶. Pazuki, Amin; Dehghan, Ramazan. (۲۰۲۴). Exemption from civil liability in sports events. Second edition. Tehran: Majd Publications. (InPersian)
۳۷. Qobadi, H. (۱۳۷۸). Fiqh and legal foundations of sports and sports competitions. Master's thesis. Tehran: Payam Noor University of Tehran. (InPersian)
۳۸. Ragheb Esfahani, H. B. M. (۱۴۲۰). Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an. ۲th edition. Beirut: Dar al-Marafa. (In Arabic)
۳۹. Rostam Shirazi, F. (۱۳۷۴). The basics of sports law in Iranian law. Master's thesis. Khorasgan (Isfahan): Islamic Azad University of Khorasgan (Isfahan). (InPersian)

- ۴۰. Salimi, M. (۱۳۹۰). Legal analysis of accidents caused by sports operations. ۱th edition. Tehran: Jabari Publications. (InPersian)
- ۴۱. Saneei, P. (۲۰۰۷). General criminal law. first volume. ۲th edition. Tehran: Ganj Danesh Library Publications. (InPersian)
- ۴۲. Yar Mohammadi, S; Ousali, A. (۱۳۹۱). Sports rights. ۱th edition. Tehran: Nikan Publishing. (InPersian)
- ۴۳. Zare, H. (۱۳۸۵). Civic responsibility in sports. Master's thesis. Khorasgan (Isfahan): Islamic Azad University of Khorasgan (Isfahan). (InPersian)